

اینستاگرام امن نیست یا خیابان؟

انتشار پی‌درپی ویدئوهای سرقت و زورگیری، این پرسش را پدید می‌آورد که وضعیت آیا این قدر خراب است؟

محمدناصر حق‌خواه
Mn.haghshah@shahrarnews.ir

تماشای صحنه‌هایی که به‌طور روزمره زیاد نمی‌بینیم یا دیدن آن از نزدیک تبعات خطرناکی دارد، همیشه جذاب است. اصولاً سینما و هنرهای نمایشی هم برای پاسخ به همین نیاز انسان بیشتر تصاویر غریب و صحنه‌های کمتر دیده‌شده را به تصویر می‌کشد. حالا فکر کنید که این تصاویر نه در یک فیلم و سریال که در دنیای واقعی اتفاق افتاده باشند و دوربینی مداربسته یا تلفن همراهی آن را ثبت کرده باشد و از طریق شبکه گسترده مجازی هم دست‌به‌دست شود و حسن عجیب مستندبودن را هم به بیننده منتقل کند. این اتفاقی است که در چند ماه گذشته با پخش پشت سر هم فیلم‌هایی از لحظات زورگیری یا اقدام به زورگیری یا سرقت‌های خشن در فضای مجازی افتاده و میل عجیب به اشتراک گذاشتن چنین تصاویری، این‌گونه فیلم‌ها را به یکی از معضلات این روزهای فضای مجازی تبدیل کرده است. موضوعی که قرار است درباره بعضی نمونه‌ها، دلیل اقبال عمومی به تماشا و انتشار و تبعات پخش مکرر آن در مطلب پیش رو بخوانیم.

● یک سنت غریب!

از رومی‌های باستان که برای تماشای جنگ گلاادیاتورها جمع می‌شدند تا سالن‌های مملو از جمعیت مسابقات کشتی‌کج در آمریکای معاصر و انتشار سریع و پر تعداد فیلم‌های زورگیری خشن در شبکه‌های اجتماعی ایران، انسان همیشه دوست داشته است که خشونت و اعمال آن را ببیند. به‌ویژه اگر این تصاویر نه ساخته‌وپرداخته ذهن نویسنده و کارگردان یک فیلم و سریال که نتیجه‌اتفاقی واقعی در خیابان‌هایی باشد که هر روز در آن رفت‌وآمد می‌کنیم. این میل قدیمی انسانی این روزها به شدت در انتشار پر حجم فیلم سرقت‌های خشن یا اقدام به زورگیری‌های خیابانی نمود پیدا کرده است. همین

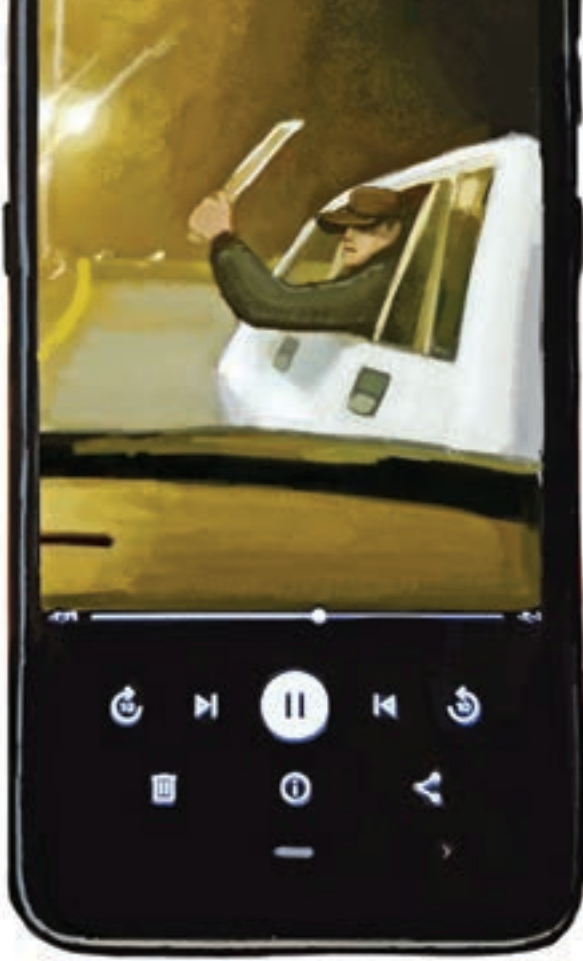
چند روز پیش بود که انتشار فیلمی از قمه کشی یک خودرو با کمک خودرو دیگر در بزرگراه و تلاش برای استفاده از خلوتی جاده‌ها برای متوقف کردن یک خودرو دیگر و زورگیری از آن در شبکه‌های اجتماعی خبرساز شد و همین دیروز بود که خبر بازداشت ۲خودرویی که اقدام به آزار مسافران و ایجاد رعب‌ووحشت کرده بودند، منتشر شد. در همین هفته گذشته بود که فیلم یک زورگیری خشن در روز روشن از یک خانم واکنش‌هایی مجازی برانگیخت و در همین یک ماه گذشته بود که زورگیری‌ها گریبان افراد سرشناس را هم گرفت. فیلم خفت‌شدن دختر مهراب قاسم‌خانی و سرقت از او در خیابان و البته فیلم دستگیری و روبرویی این دختر و پدرش با سارق! و درست ۲هفته بعد فیلم زورگیری از علی دایی وزدیدن گردن‌بند او در حضور دخترش که چند روزی خوراک رسانه‌ها را فراهم کرد و بعد هم با خبر دستگیری سارقان، ماجرا ختم شد. همین چند نمونه نشان می‌دهد که در یکی دو ماه گذشته ماجرای انتشار فیلم خفت‌گیری‌های خشن و سرقت‌های خیابانی به اندازه کافی در فضای مجازی خبرساز شده است؛ اتفاقی که فقط به دست‌به‌دست‌شدن چند فیلم محدود نمی‌شود و خیلی بیشتر از این حرف‌ها می‌تواند اثرگذار باشد.

● امنیت واحساس امنیت!

در مباحث روان‌شناسی اجتماعی، همیشه ۲مفهوم امنیت واحساس امنیت از هم تفکیک می‌شوند. امنیت چیزی است که در واقعیت و کف اجتماع و براساس آماروارقام سازمان‌های ذی‌صلاح می‌توان به آن پرداخت واحساس امنیت، احساسی است که کامل به سلیقه عاطفی مردم بستگی دارد و براساس مشاهدات محدود آنان شکل می‌گیرد، نه آماروارقام؛ احساس امنیتی که این روزها انگار بیشتر از خود امنیت لطمه خورده است. شاید این روزها به دلیل مشکلات اقتصادی حتی از نظر آماروارقام هم تعداد زورگیری‌ها

و سرقت‌ها زیاد شده باشد یا چنان که در خبری منتشر شد، تعداد افرادی که «زورگیر اولی» هستند، رشد چشمگیری داشته باشند، اما درمجموع ایران جزو کشورهای نامن در دنیا محسوب نمی‌شود. این موضوع نفی‌کننده وجود مشکلات اقتصادی منجر به جرائم این چنینی و لزوم تلاش مسئولان برای بهبود شرایط نیست و پرداختن به موضوع مهم احساس امنیت به معنی نادیده‌انگاری افزایش جرایم‌های خیابانی و لزوم پیشگیری و حفظ امنیت نیست، اما انتشار گسترده چنین تصاویری به احساس امنیت روانی جامعه که شاخص مهم تری از خود امنیت است، منجر می‌شود. اینکه افراد دائم در لحظه در کوچه و خیابان و خانه احساس ناامنی کنند. این روزها گسترش تعداد دوربین‌های مداربسته و البته سهولت انتشار ویدئوهای دوربین‌های تلفن همراه باعث شده است که این‌گونه خبرها بیشتر از پیش دیده‌شود. اما نباید فراموش کنیم که ناامنی کریه و زشت است و مشکلات اقتصادی به آن دامن می‌زند. ولی گوشی‌های

دست‌ما و اخبار فضایی مجازی همه چیز نیستند. یادمان باشد که برای خیلی از رسانه‌ها، خبر خوب، خبر بد



طرح: رضا شهبازی | شهرآر

است، چون بازخورد بیشتری دارد. چنان که خبر زورگیری در بزرگراه از خبر پیداکردن پول به‌وسیله یک رفتگر و برگرداندن آن به صاحبش بیشتر دیده می‌شود!

Tweets



سیدعباس صالحی | وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
@S_A_Salehi

شهرهای قرمز از اول آذرماه تعطیل‌اند، به‌جز مشاغل ضروری، خانه‌های شلوغ، شهرهای تعطیل‌راهم‌کروناپی‌می‌کنند. دورهمی‌ها را خودمان تعطیل کنیم. کرونا در کمین تک‌تک ماست.



حمید ضیایی‌پرور | روزنامه نگار



در اغلب جلسات حضوری، افراد موقع صحبت کردن، ماسک خود را بر می‌دارند که اشتباه است. اگر به هر دلیلی مجبور هستید در جلسه ای شرکت کنید به هیچ وجه ماسک خود را بر ندارید اگر هم کسی برداشت تذکر بدهید قبول نکردند جلسه را ترک کنید.



موسی راوندی | روزنامه نگار

رفته شمال، بچه‌اش مریض شده. روتخت بیمارستان ازش عکس گرفته، تو اینستاگرام استوری گذاشته، نوشته: «تو رو به مقدسات‌تون در خانه بمانید!»
اولیل، کرونا روح ما رو می‌آزرد الان دیگه ما روح کرونا رو می‌خرشیم!



محبوبه عظیم زاده
m.azimzadeh@shahrarnews.ir

سیدمحمد غرضی با اینکه سال‌ها در عرصه‌های سیاسی فعالیت کرد، بعد از اعلام نامزدی در انتخابات ۹۲ و حضور در مناظره‌های پر حاشیه آن سال بود

که به یک چهره شناخته‌شده برای مردم تبدیل شد. نامزدی که لحن عامیانه و آمیخته با یک نوع خون سردی و بی‌خیالی مخصوص به خودش، به‌علاوه پاسخ‌های گاهی خنده‌دار در گفت‌وگو با رقیبانش، کلی سوزه در ست کرد و سبب شوخی‌های زیادی با او شد تا جایی که خیلی‌ها او را «شش‌پرینی انتخابات ایران» نامیدند؛ کسی که حضورش در این فضای سیاسی رقابتی، شاید کمی جنبه سرگرمی به ماجرا داد و در نهایت با کسب کمتر از ۵۰۰هزار رأی، آخرین فرد فهرست نامزدهای سال ۹۲ شد، هر چند که پیش از آن گفت «من ۵۵میلیون رأی دارم». محمد غرضی در دوره بعد، یعنی انتخابات سال ۹۶ هم دوباره برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری اعلام نامزدی کرد که این مرتبه شورای نگهبان او را ردصلاحیت کرد. حالا در این روزهای نزدیک‌تر

به انتخابات که با مشکلات اقتصادی زیادی هم گره خورده است و هراز گاهی یکی از مسئولان به‌واسطه صحبتی تندوتیز در فضای مجازی مطرح می‌شود و مردم هم همه سخن‌های آن‌ها را مقاماتمی برای حضور در انتخابات ۱۴۰۰ می‌دانند، صحبت‌های جدید وزیر نفت پیشین هم حسابی دهان‌به‌دهان می‌چرخد. غرضی البته همین الان هم خودش قرص و محکم برای حضور در انتخابات پیش رو اعلام آمادگی کرده و تقریباً در همه مصاحبه‌هایی که با رسانه‌های مختلف داشته، به این نکته اشاره کرده است و به‌قول خودش «همیشه به‌عنوان یک سرباز آماده خدمت‌گذاری است». همان صحبتی که پیش از حضور در انتخابات ۹۶ هم گفت. او البته فقط به گفتن این سخن اکتفا نکرد و صحبت‌هایی را بیان کرد که حتماً می‌داند در این وانفسا برد بیشتری دارد: «من از ثروت کشور و محل‌های رانت‌خواری و سیستم‌های سیاسی اعتبار از دست‌داده مطلع هستم». حتی از این هم فراتر رفت و با احتمال ردشدن دوباره‌اش از سوی شورای نگهبان گفت: «اگر از سوی شورای نگهبان ردصلاحیت شوم، اعمال و روش‌هایی را که در کشور به مردم تحمیل شده است، نقد می‌کنم و نقاط ضعف را به مردم می‌گویم». با این حال، آنچه در میان این صحبت‌ها بیشتر دیده شد، قسمتی بود که پای آقازاده‌ها به میان آمد و در واقع آمار آقازاده‌هایی را داد که زندگی در آمریکا را به زندگی در کشور خودشان ترجیح داده‌اند. اینکه ۵۰۰هزاراد مدیران اصلاح‌طلب و اصول‌گرا در آمریکا زندگی

می‌کنند: «شما ببینید این ۵۰۰هزاراد مدیران اصلاح‌طلب و اصول‌گرا که در آمریکا هستند، چگونه امتیازات را بین خودشان تقسیم کرده‌اند و اصلاً مشخص نیست که او پسر یک اصول‌گراست یا پسر یک اصلاح‌طلب. شما کشور را مقداری سیاسی می‌بینید و من بیشتر آن را اداری می‌دانم. آن‌ها در بالا دعوی زرگری راه می‌اندازند و در زیر منافع را تقسیم می‌کنند.» صحبتی که حسابی واکنش‌های مردمی را هم به‌دنبال داشت؛ صحبت‌هایی سرشار از نیش و کنایه. در میان این نظرها خیلی‌ها هم بودند که پای ابتکار و فرزندش را که در آمریکااست به میان کشیدند که مدتی پیش صحبت آن در شبکه‌های مجازی داغ شد و شخص ابتکار درباره آن گفت: «فرزندم سی‌وخردهای سالی بود، اینجا درس خواند و کارشناسی ارشد گرفت. دنبال این بود که بتواند ادامه تحصیل بدهد و در رشته‌ای که دلش می‌خواست پذیرش گرفت. انتخاب خودش و خانواده‌اش بود که برای ادامه تحصیل به آنجا برود. خیلی‌ها می‌روند!» یکی از کاربران نوشته بود: «آمریکا فقط برای بچه‌های مسئولان خوبه.» دیگری گفته بود: «آقای غرضی از حساب بانکی و ارزی این ۵۰۰ه نفر هم به چیزی می‌گفتی.» و در نهایت کاربر دیگری هم به طعنه نوشت: «شماها چقدر بدبین هستید. واسه عشق و حال که نرفتن. رفتن درس بخونن تا برگردن و به کشورشون خدمت کنن. فقط چون ژنشون خوبه سی‌چهل سالی ادامه تحصیلشون طول می‌کشه.»

بودجه موزیکال

مهدی محمدی

mahdi.mohammadi@shahrarnews.ir

کاوه آفاق، از خوانندگان پاپ، گفته است با موسیقی می‌شود بودجه کشور را تأمین کرد.

شاید با خودتان بگویید چطور چنین چیزی ممکن است. اما براساس تحلیل‌های ما با روش‌های زیر می‌توان بخش بزرگی از بودجه سال ۱۴۰۰ را تأمین کرد:

۱- به‌تازگی خروج خودروها از برخی شهرها ممنوع شده بود و اگر خودرویی از شهر خارج می‌شد، به‌جای آنکه مانع خروجش شوند، آن را ۵۰۰هزار تومان جریمه می‌کردند. الان هم می‌توان با وجود گسترش ویروس کرونا، اجازه داد که کنسرت با اجتماع پرشور مردم برگزار شود. دولت هم در این میان تک‌تک کسانی را که در کنسرت شرکت کرده‌اند به علت رعایت‌نکردن پروتکل‌های بهداشتی و حضور در اجتماع‌های بزرگ جریمه کند.

۲- به‌تازگی مد شده است که خواننده‌ها در کنسرت، خودشان نمی‌خوانند، بلکه میکروفون را به‌سمت حاضران در کنسرت می‌گیرند تا آن‌ها بخوانند و نهایت نقش خواننده در کنسرت، همان نقش پایه میکروفون است. روی همین حساب دولت می‌تواند بلیت کنسرت بفروشد و اعضای کابینه به‌عنوان مثال بیژن زنگنه می‌تواند بدون اینکه ترانه‌ای بخوانند، یک کنسرت اجرا کنند. البته برای اینکه صدای کسی درنیاید می‌شود همان‌طور که حمید هیراد لب‌خوانی کرد، اعضای کابینه هم با یک آهنگ یک جوری لب‌خوانی کنند که انگار خودشان آن را خوانده‌اند!

۳- کنسرت‌ها داخل شهر برگزار نشود، بلکه بیرون شهر و در انتهای جاده‌هایی که عوارض می‌گیرند، برگزار شود، به‌عنوان مثال در بزرگراه مشهدباغچه. این‌طوری هر کسی بخواهد به دیدن کنسرت برود، باید علاوه‌بر بلیت پولی هم به عوارضی بدهد و چیزی هم به دولت برسد.

۴- آقای جهانگیری اعلام کند نرخ مصوب بلیت کنسرت ۴۲۰۰تومان است. این‌طوری سیل جمعیت برای دیدن کنسرت هجوم می‌آورد، اما وقتی می‌آید، آنجا می‌بیند ای بابا بلیت کنسرت ۴۲۰هزار تومان است. در این لحظه دولت کامل خودش را کنار می‌کشد و می‌گوید: «ما هیچ نقشی در این زمینه نداریم.» بعد تفاوت نرخ اعلام‌شده و نرخ دریافتی بین دولت و عوامل کنسرت تقسیم می‌شود.

۵- کنسرت‌ها در خیابان‌هایی برگزار شود که سراسر آن‌ها تابلو توقف ممنوع نصب است و تا چند خیابان آن‌طرف‌تر هم جای پارک نیست. خودروها چون جای پارک پیدا نمی‌کنند، مجبورند آنجا پارک کنند و با جریمه‌کردن آن‌ها پول زیادی وارد خزانه دولت می‌شود.

۶- ما در این مرزوبوم خواننده‌هایی داشته‌ایم که حتی بعد از مرگشان نیز به فعالیت هنری خودشان ادامه داده‌اند و پشت سر هم از آن‌ها تک‌آهنگ منتشر می‌شود. وقتی به این راحتی خوانندگان از دنیارفته آهنگ جدید منتشر می‌کنند، حتماً این امکان هم وجود دارد که آن خواننده عزیز و از دست‌رفته کنسرت برگزار کند. هر خواننده مرحومی هم که کنسرت برگزار کرد، از او «مالیات بر عمر افزوده» گرفته شود.

۷- خواننده‌هایی هستند که هیچ‌گاه کنسرت برگزار نکرده‌اند. اگر هم ترانه‌ای را با صدای خوب از آن‌ها می‌شنویم، به‌دلیل آن است که صدایشان را بر نام‌افزارهای مختلف رایانه تغییر داده‌اند. دولت می‌تواند این خواننده‌ها را به اجرای کنسرت بدون استفاده از نرم‌افزار مجبور کند. مردم بعد از شنیدن صدای آن‌ها به تکاپو می‌افتند و می‌خواهند هر چه سریع‌تر محل را ترک کنند. در این لحظات مرگ و زندگی می‌توان از افرادی که قصد ترک محل را دارند، مبلغ ۲۶۴هزار تومان عوارض خروج از کشور، ببخشید، «عوارض خروج از کنسرت» گرفت.

۸- هنگامی که دانشجو بودیم، قبل از اینکه استاد وارد کلاس شود، برخی دانشجویان خلاق با کوبیدن ریتمی روی میز و صندلی و دروتخته کلاس آهنگ می‌ساختند و دانشجویی هم شروع به خواندن می‌کرد و جو کلاس درست شبیه جو کنسرت می‌شد. دانشگاه‌ها می‌توانند از دانشجویان برای این امکان سرگرمی که برایشان فراهم کرده است، شهری بیشتری بگیرند.



سیمپسون‌ها
مت‌گرنینگ



یکی مثل همه
فیلیپ راث



روزنامه
شهرامید
وزندگی

شنبه
۲۸ آبان ۱۳۹۹
شماره ۳۳۷۲

۱۳
SHAHRARNEWS.IR



روزنامه
شهرامید
وزندگی

۱۳
SHAHRARNEWS.IR

۱۳
SHAHRARNEWS.IR

۱۳
SHAHRARNEWS.IR

۱۳
SHAHRARNEWS.IR

۱۳
SHAHRARNEWS.IR

۱۳
SHAHRARNEWS.IR

۱۳
SHAHRARNEWS.IR

۱۳
SHAHRARNEWS.IR

۱۳
SHAHRARNEWS.IR

۱۳
SHAHRARNEWS.IR

۱۳
SHAHRARNEWS.IR

۱۳
SHAHRARNEWS.IR

۱۳
SHAHRARNEWS.IR

۱۳
SHAHRARNEWS.IR

۱۳
SHAHRARNEWS.IR

۱۳
SHAHRARNEWS.IR

۱۳
SHAHRARNEWS.IR

۱۳
SHAHRARNEWS.IR